

امانت گذارده اند بمدعی صاحب سند بدهد از خدمت دولتی بکلی معزول و دیگر در هیچ خدمتی قبول نخواهد شد بملاوه از ۲ سال الی چهار سال حبس خواهد شد.

آقا سید محمد رضا - بنده بنظر در مواد گذشته یکی از وظایف مباشر این بود که امانت مردم را قبول بکنند و این امانت هم امر مهمی است و اگر یک مباشر نبستی یک سندی را که امانت باو سپرده شد بمدعی او بدهد این یک خیانتی است خیلی بزرگ و در این جا مجازات از برای او معین نشده است و این مجازاتی را که بنده معین کردم زیاد نیست.

آقا شیخ ابراهیم - صحیح می فرمائید فراموش شده برای آن یک مجازاتی معین نشده است **رئیس** - آقای مخبر این را قبول دارید؟

آقا شیخ ابراهیم - بلی **رئیس** - این موادی که در ضمن شوررجوع شد بکمسیون از مخبر سؤال می کنم تا روز شنبه آینده حاضر می شود - چون دستور معین میشود. **آقا شیخ ابراهیم** - کمسیون تشکیل بشود اصلاح می کنیم گمان می کنم برسد.

رئیس - علی ای حال جزء دستور روز شنبه آینده می گذاریم. دستور شنبه آینده قانون استخدام - و بقیه ثبت اسناد.

[مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد] .

جلسه ۲۳۳

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۱ شهر

ربیع الثانی ۱۳۳۵

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع رسماً تشکیل شد صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود

(فائزین جلسه قبل) دهخدا . ناصر الاسلام بدون اجازه او اعالدوله با اجازه فائز بودند - آقا شیخ محمد حاج وکیل الرعایا . حاج آقا . آقا شیخ علی شبرازی . آقا سید محمد باقر ادیب . نیر السلطان . حاج امام جمعه . مصدق الممالک بموقع مقرر حاضر نشدند .

رئیس - آقای ناصر الاسلام در صورت مجلس ملاحظه داشتید ؟

ناصر الاسلام - در صورت مجلس اسم مرا جزء فائزین بدون اجازه جلسه قبل نوشته بودند در صورتیکه بنده قبلاً عرض کرده بودم که در خصوص علت مزاج عرض کرده و استعفا داده بودم .

رئیس - بله اجازه داده نشد **ناصر الاسلام** - اگر باشخصیکه علت مزاج داشته باشند اجازه داده نمیشود پس خوب است قانونی وضع کنند یا اینکه همان طوریکه آقای دکتر علی خان درچندی قبل اظهار کرده بودند که اشخاصی که اظهار مرض میکنند رجوع بکنند یکی

از دکتراهی مجلس والا وقتیکه علت مزاج پیدا شد دیگر نمی شود حاضر شد

رئیس - پیشنهادی اگر بایست در این خصوص بشود رئیس نباید پیشنهاد بکند یکی از نمایندگان می توانند پیشنهادی بکنند که برنظام نامه داخلی افزوده شود ولی اگر بنا باشد که بنده همه روز معاذیر علت مزاج و غیره را قبول بکنم مجبور می شوم که هرروزه اقلاً بیست اجازه بدهم و اگر این طور باشد هیچ وقت عده برای مذاکره و رأی نافی نخواهد شد حالا این مطلب اگر مطالب صحیحی است ممکن است بطور ماده الحاقیه پیشنهادی بکنید .

ارباب کیخسرو - بنده درست ملتفت نشدم گویا در صورت مجلس یک کلمه خارج نوشته شده بود می خواستم عرض کنم اگر نوشته شده است فارسیش نوشته شود .

رئیس - در کجا نوشته شده است **ارباب کیخسرو** - در صورت مجلس

رئیس - در کجای صورت مجلس . **ارباب کیخسرو** - در قسمت راجع بقانون منع احتکار .

رئیس - همچو چیزی نوشته نشده است - در صورت مجلس گویا ملاحظات دیگری نیست (اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

رئیس - دستور امروز راپورت کمسیون نظام نامه داخلی در باب دیرآمدگی و غیبت شور در بقیه قانون ثبت اسناد است ولی قبل از آنکه داخل دستور بشویم راپورتی از کمسیون عرایض رسیده است که مضمونش را عرض می کنم - آقای کاشف سه ماهه اجازه مرخصی خواسته بودند کمسیون دو ماهه تصویب کرده است حالا بدون مذاکره راپورت کمسیون عرایض رأی می گیریم آقا یانیکه با راپورت کمسیون عرایض و مرخصی در باب مرخصی دو ماهه آقای کاشف که کمسیون تصویب کرده است موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت تصویب شد در جلسه گذشته فراموش کردم عرض کنم که آقای لواه الدوله با (۳۰) رأی و آقای میرزا رضا خان با (۴۱) رأی برای اداره مباشرت انتخاب شدند .

(راپورت کمسیون نظام نامه داخلی را آقای فهیم الملک بعبارت ذیل قرائت نمود) کمسیون نظام نامه داخلی روز دوشنبه (۱۶)

شعبان المعظم ۱۳۲۸ یکساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک برای ملاحظه طرح قانونی کمسیون مبتکرات و طرح آقای ارباب کیخسرو که از مجلس رجوع شده بود فوق العاده منعقد گردید پس از مذاکرات لازمه درباره هر دو طرح مرجوعه رأی کمسیون بمناجبات مهمه و ملاحظات عدیده بر اینقرار گرفت که بدو طرح قانونی فقط در مورد تأخیر و غیبت در رأی مجلس ازقرار تفصیل ذیل بعنوان اصلاح بجای جمله دوم ماده (۱۲۰) نظام نامه داخلی تقدیم مجلس شورایی شود .

اصلاح - عوض جمله دوم ماده ۱۲۰ نظامنامه داخلی باید بنطور نوشته شود اشخاصیکه از وقت مقرر برای انعقاد مجلس بدون اجازه تأخیر نمایند یا در موقع دادن رأی در مطالبی که جزء دستور آن جلسات است بدون عذر موجه غیبت نمایند بهر نیمساعت تأخیر و بهر سه ساعت غیبت در یک جلسه در موقع رأی ثمن مقرر یک روزه آنها کسر خواهد شد بملاوه مدت غیبت آنها در صورت مجلس و در روز آسامه رسمی اعلان خواهد شد .

رئیس - عرض میکنم که شور اول این ماده بعمل آمده است این شور دوم است و رأی خواهیم گرفت .

معاضد الملک - بنده با راپورت موافقم و فقط در یک جزئی مخالف می باشم و آن این است که ثمن مقرر را کم می دانم و کتباً تقاضای کم که بهر مقرر یک روزه کسر بشود

ارباب کیخسرو - اینکه ثمن مقرر نوشته شده است بملاحظه این است که هر جلسه لااقل چهار ساعت طول خواهد کشید و از روی یک مأخذی است که این طور نوشته شده است

آقا شیخعلی شیرازی - این که نوشته شده است رأی در مطالبی که جزء دستور است بنده نمی فهمم بجهت اینکه اگر مراد رأی است که در مجلس گرفته میشود که این قید لازم نیست و اگر مقصود از این قید قید احترازی است یعنی امروز فرضاً دستوری معین شد و بعد قطعاً یک رأی در آن گرفته شد که این هم باید توضیح بشود .

لسان الحکما [مخبر کمسیون] این برای آن مطالبی است که قبلاً در دستور جلسه معین شده است که عمداً بیرون نرود و الا اگر یک مطلبی را که مطلع نبوده و بمجلس آمده و در مجلس هم یک رأی خارج عادتاً گرفته بشود و اتفاقاً هم نیم ساعت خارج باشد عیبی ندارد .

فهیم الملک - اینجا یک جمله نوشته اند که بهر سه غیبت در یک جلسه در موقع رأی و این مطلب در شور اول یک شکل دیگری پیدا کرد و آن این است که رئیس اعلان میکند که رأی باید گرفت و عده هم کافی نیست بعد مدتی طول خواهد کشید تا اینکه جماعتی از خارج بیایند و عده کافی بشود حالا این اشخاصی که مجلس را تعطیل میکنند تا موقع دادن رأی جزء غائبین محسوب خواهند بود یاخیر بجهت اینکه آنوقتی که رئیس اعلان میکند تا وقتی که رأی بگیرد ممکن است دو ساعت طول بکشد حتی اینکه گاهی از اوقات دیده ایم که منجر باین میشود که تنفس داده میشود آنوقت تکلیف این اشخاص چه خواهد بود یکی دیگر هم اصلاح عبارتی است در ابتدا نوشته اند (اشخاصی که) باید نوشته شود (نمایندگانی که) و الا اشخاص ممکن است که تماشاچیها هم باشند .

افتخار الواعظین - اینجا عبارت بنظر بنده خیلی مبهم و مجمل می آید و باید توضیح بشود که مراد از این جمله چیست می نویسد بهر سه غیبت

کسر دارد باید یک مالیات دیگری برای جبران آن وضع بکنیم این صحت نیست و بنده تصویب نمی کنم .

حاج دکتور رضاخان - گمان می کنم که آقای حاج آقا اشتباه میکنند اولاً باید بدانند که این یک مالیاتی است برای سند و چون از ابتداء تا بحال این مطلب تهریح نشده است این اظهار را می فرمایند در سایر جاها با این که ثبت اسناد اجباری است و هر وقت در یک محاکمه یک سندی ثبت نشده باشد دو برابر آن مبلغی که باید بدهد جریمه او معین می شود مع ذلك صدی خمس می گیرند و در یک مملکتی که اختیاری است و مردم هنوز عادت نکرده اند نباید یک تومان را یکشاهی بر آنها تحمیل کرد اجاره بندی های این جا از یک سال بیشتر نیست و وقتی که ده هزار تومان اجاره بندی است و نباید ۵۰ تومان بدهند البته نخواهند داد و عایدات دولتی کسر خواهد شد نظر بپردازید ببینید وقتی که تکسراف و پست ارزان شده عایدات دولت زیادتیر می شود یعنی مردم بیشتر رقت می کنند در این مورد هم همین طور است چنانچه شما بخواهید وجه آنرا زیاد بکنید آنوقت اداره دولت معطل می ماند و مردم کمتر خواهند رفت برای این که ملاحظه ثبت سند را کرده ایم و گفته ایم از هر سندی یا هزار یا ۲۰ هزار ریال بگیرند .

حاج سید ابراهیم - فرمودند در سایر جاها مجبورند و کمتر می گیرند صحت است وقتی که ثبت سند اجباری شد البته باید کمتر بگیرند بجهت این که همه خواهند برد و نمی توانند نبرند و لیکن در این جا مختارند و توانند این اندازه بدهند می آورند ثبت می کنند نمی توانند نمی آورند و لیکن بنده نظر آقای ارباب را در این جا خوب می دانم هر قدر مبلغ بالاتر باشد یک قدری تخفیف داد و آنرا برای شور دوم اصلاح می کنیم .

حاج سید ابراهیم - بنده عرضم گفته شد و حالا همینقدر می خواستم عرض کنم که این (دقیقاً) مجمل است خوب است بنویسند و هر سندی که انتقال ملک بیاورد تا این که اجمال رفع شود .

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی نمی دانند [گفتند کافی است] چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است یک فقره از طرف آقای دکتر حاج رضاخان که صدی ربع گرفته شود و یک فقره از طرف آقای نیر السلطان و آقای کاشف که پیشنهاد کرده اند از صد تومان ۴۰۰ تومان گرفته شود که تقریباً صدی خمس می شود آنها خوانده می شود و رای می گیریم .

رئیس - آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد) ۴ فقره هم از آقای نیر السلطان و آقای کاشف پیشنهاد شده است هر ۲ یک حال را دارد یعنی هر دو پیشنهاد کرده اند

که از صد تومان ۴۰۰ تومان گرفته شود که صدی خمس می شود .

کاشف - بنده تصور می کنم نظر آقای وزیر هیجوت در وضع مالیاتی باین ترتیب نبوده است چونکه ترتیب حالیه معلوم است و مردم بجهت مالیات زیادی نمی خواهند اسنادشان معتبر باشد و الا آن هم معمول به اداره ثبت اسناد این است که از صد تومانی دو قران می گیرند باینجهت بنده تعجب می کنم از اینکه بعد از این بخواهند بیشتر از این بگیرند بعقیده بنده از صد تومان دو قران که صدی خمس میشود اگر فعلاً بخواهند بیشتر بگیرند جاندارد .

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقایان نیر السلطان و کاشف آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد) آقای افتخار - الواعظین هم پیشنهاد کردند که بر کردد بکمیسیون در این هم نمی شود رای تج گرفت برای اینکه شور اول است و خواهد رفت بکمیسیون آقای حاج شیخ اسدالله هم پیشنهاد کرده که مطابق پیشنهاد وزیر در کلیه حقوق ثبت اسناد رای گرفته شود این هم صحت نیست اگر می خواهند در یکی یکی پیشنهاد بکنند حالا از این می گذریم بقسمت دوم .

دوم - از ثبت فته طلب و تمسکات و قبوض و کلیه اسنادی که موضوع آن معاملات راجه باموال منقوله یا وجوه نقدی با سهام و کاغذ های قیمتی از هر قبیل می باشد از هر تومانی نیم شاهی .

حاجی شیخ علی خراسانی - در این ماده دویم جمیع قبوض را نوشته است چون بنده یک قدری اطلاع دارم از این ثبت اسنادی که الان هست لازم است عرض بکنم الان از یک سدر بیع شرطی چهار قسم پول می گیرند مثلاً یک سدر بیع شرطی نوشته می شود از او یک پول می گیرند چون این جارم است که قبض وصول هم علیحده می گیرند یک پول هم از قبض وصول می گیرند یک پولی هم از روکالت نامه خیار فسخ می گیرند یک پول هم از قبول اجاره می گیرند بنده در یک سند بیع شرطی حساب کردم دیدم قریب تومانی صد دینار پول گرفته می شود حالا می خواهم بدانم که آیا نظر کمیسیون باین بوده که از یک معامله که چهار پنج کاغذ رد و بدل می شود بطوری که عرض کرده ام از هر کدام یک پولی بگیرند یا آنکه تمام اسناد راجه یک معامله را یک پولی بگیرند .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - قبحی که ثبت می شود نسخه دویم و سیم را اگر می فرمایند این قرار دیگری دارد و اگر دو پول داده و دو قبض است و دو ثبت است البته دو پول می گیرند .

حاج وکیل الرعایا - بنده گمان می کنم این ماده خارج از آن معاملات است که چند قبض بخواهد آن معاملات راجع ب ماده اول بود که رد شد و این راجع است باموال غیر منقول گمان می کنم اگر بتوانیم موفق بشویم که اینها را وارد دفاتر دولتی کنیم بسیار خوب است و مفید است ولی نه با این مخارج زیاد و تصور می کنم که هجرتش را هم طوری باید نوشت که تقریباً نزدیک بهم هم کسی باشد

چون حسن قانون باین است که به اسان قوم نوشته شود در هزار تومان یک تومان بنویسند که چون این قوانین تازه دارد در مملکت ما وضع می شود باید خیلی ساده نوشته شود و بنده این مقدار را که در هر هزار تومان یک تومان باشد کافی میدانم و زیاد بر این را زائد می دانم بجهت اینکه آنوقت گمان نمی کنم دولت موفق ثبت این قبیل اسناد بشود بجهت اینکه ما اطلاع داریم بعضی معاملات صرافانی است که در بازار قبض و اقباض می شود و قایده آن تومانی نیم شاهی نیست در این صورت چطور این قبیل معاملات را می آورند و تومانی نیم شاهی برای ثبت آن حاضر میشوند بدهند .

وزیر عدلیه - در باب این تفرقه کلیتاً بنده هم اینست که این زیاد نوشته شده باید کمتر نوشته شود چنانچه در پیشنهاد سابق هم کمتر نوشته شده است هر صد تومانی دو قران بود ولی بکلی هم موافق هستم با این ایراداتی که می کنند برای اینکه یک اداره را که ماتریتب می دهیم باین انضباطی که قانونش را ملاحظه فرمودید و با تقیضات لازمه و با حقوق کافی که باید داد این اداره خیلی خرج دارد اگر بخواهیم این ملاحظه را بکنیم که دولت از پول خودش از خزانه خودش باین اداره پول خواهد داد این ملاحظه هیچ فایده نخواهد داشت و پایه ندارد و تجربه ما نشان می دهد که هیچوقت هم چیزی نشده است و از برای یک چنین مصارفی یک محلی لازم است و دولت نمی تواند مالیات بلوچستان را بیاورد اینجا خرج بکنند از برای محکم کردن سندیک شخصی که در مازندران اقامت دارد هر کس آبادی و عمران مملکت را می خواهد باسویه باید در مخارج آن اداراتی که از برای آبادی و عمران آن مملکت لازم است شرکت کند یکی از اداراتی که خیلی امروزه از برای ما لازم است عدلیه است میشود گفت که یکی از اصلاحاتی که عدلیه مابسته بآن است همین اداره ثبت اسناد است ولی متأسفانه ما نمیتوانیم امروزه این اداره را آنطوریکه لازم است و در خور این اداره است اینرا بسط بدهیم و محکم کنیم و اعتبار بدهیم باین اداره ولی این نباید ما را باز دارد از اینکه اولین قدمها که لازم است با کمال جرات برداریم

ما اگر نمیتوانیم اعتبار متدرجات اسناد را امروزه تضمین بکنیم این اسباب این میشود که ما بیانییم بخیالاتیکه همیشه داشته ایم این اداره را نتوانیم طوری ترتیب بدهیم که خرج و دخل نکند و نتواند عایداتش بخوبی ایفاء مخارجش را بکند باینجهت این فرمایشیکه آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که این اسناد تومانی نیم شاهی که باید از برای آنها بدهند خود معامله تومانی نیم شاهی صرف نمیکند ایشانرا قویاً من مرد نمیکند ولی او هم این سندش را ثبت نمیکند ما کسی را مجبور نمیکند که سندش را بیاورد در اداره ثبت اسناد ثبت بکند اگر بآن ترتیبیکه آنرا تسجیل میگویند اینجا میخواستیم مجری بداریم و مجبور میکردیم که حکماً اسنادتان را بیاورید اینجا ثبت بکنید آنوقت این فرمایش حاج وکیل الرعایا صحیح بود ولی نمیشود مردم را مجبور کرد که اسنادتان را بیاورید ثبت بکنید و تومانی فلاقتی بدهید لکن هر کسی میخواهد اسنادشرا از حیث تاریخ از حیث مبلغ از حیث خط و مهر و اقرار و صلاحیت

اصحاب معامله و تصدیق مطلوبین استحکام بدهند در اداره ثبت اسناد باز است هر کس میخواهد سندشرا استحکام بدهد نسبت بمطالبیکه عرض کردم میرسد ثبت میکند و ما هم کسی را اجبار نمیکند که سندش را بیاورد همینقدر میگوئیم هر کس بخواهد اسناد خودش را باین ترتیب اعتبار بدهد و استحکام بدهد که در محاکمه عدلیه از این حیثیات محل حرف نباشد بیاورند ثبت بکنند تفرقه ثبت او هم این است میگویند تفرقه اش زیاد است ثبت نمیکند این مقدمه را هم عرض بکنیم که مالکیت در تغییر و تبدیل این تفرقه نباید ملاحظه را بکنیم که مردم استطاعت ندارند یا اینکه این صاحب سند از این معامله تومانی نیم شاهی فایده میرد یا نمیرد ولی از طرف دیگر هم بنده هم عقیده هستم با آقایانیکه تومانی یکشاهی را زیاد میدانند بله این زیاد است این درصد تومانی پنجاهزار میشود در صورتیکه بعقیده من صد تومانی دو هزار کافی است دیگر اینکه حاج وکیل الرعایا فرمودند نوشته شود هر هزار تومان یکتومان نوشته شود این عقیده هم نظر کمیسیون رسیده بود و این نظر درست نبود بجهت اینکه تا صد تومان و پنجاه تومان درست بود لکن وقتی که بکسور میرسید در وزارتخانه اسباب اشکال میشد آنوقت باید بگوئیم که از فلان مقدار چه بکنند از فلان مقدار چه بکنند و مخصوصاً کار تقیض هم خیلی مشکل میشد لکن باین ترتیب که بگوئیم تومانی نیم شاهی یا یک شاهی رفع این اشکالات را میکند علاوه بر اینکه از برای عوام هم خیلی آسان تر است که بگوئیم تومانی نیم شاهی بدهید یا اینکه بگوئیم در هزار تومان یک تومان بدهید

حاج شیخ اسدالله - فرمایش آقای وزیر خودش دلیل بود بر اینکه پیشنهادیکه وزیر کرده اند آراهم باید بیاورند در مجلس قرائت شود اگر این پیشنهاد کمیسیون رد شد آنوقت پیشنهاد وزیر رای گرفته شود و بنده با این مواد که اینجا نوشته شده است که یکی همین ماده دویم است مخالف هستم و باید نوعی ترتیب داد این اداره را که مردم وقتی که دیدند بالطبع رقت بکنند و بیایند اسنادشان را ثبت بکنند اگر آنطوریکه میفرمایند مایک اعضائی بیاوریم و یک مخارج فوق العاده برای او قرار بدهیم یک مرتبه که سندش را ثبت بکنند و دید که باید متحمل یک مخارج فوق العاده بشود دیگر نیاید و اداره دولت همینطور معطل میماند و باید حقوق این اداره را دولت از کیسه خودش بدهد و بهترین حقوقیکه از برای ازدیاد دخل این اداره است این است که حقوقش را کمتر بگیرند تا مردم زیاد تر اسنادشان را بیاورند ثبت بکنند و بنده تصور می کنم صدی خمس کافی است یا لااقل صدی ربع باشد و حالا هم که خود آقای وزیر تصدیق فرمودند گمان نمی کنم که مخالف با آن لایحه باشد که به مجلس تقدیم کرده اند حالا اگر جناب وزیر آن پیشنهاد خودشان را پس گرفته اند بفرمایند تا بدانیم و اگر پس نگرفته اند در موقع خواندن پیشنهاد وزیر هم خوانده شود یا اگر این رد شد بآن رای گرفته شود بنده پیشنهاد وزیر را خیلی بهتر و مناسب حاکم می دانم و برای مردم هم آن بهتر است .

حاج آقا - بنده تمام تفرقه نظر همان است که در اصحاب معامله و تصدیق مطلوبین استحکام بدهند در اداره ثبت اسناد باز است هر کس میخواهد سندشرا استحکام بدهد نسبت بمطالبیکه عرض کردم میرسد ثبت میکند و ما هم کسی را اجبار نمیکند که سندش را بیاورد همینقدر میگوئیم هر کس بخواهد اسناد خودش را باین ترتیب اعتبار بدهد و استحکام بدهد که در محاکمه عدلیه از این حیثیات محل حرف نباشد بیاورند ثبت بکنند تفرقه ثبت او هم این است میگویند تفرقه اش زیاد است ثبت نمیکند این مقدمه را هم عرض بکنیم که مالکیت در تغییر و تبدیل این تفرقه نباید ملاحظه را بکنیم که مردم استطاعت ندارند یا اینکه این صاحب سند از این معامله تومانی نیم شاهی فایده میرد یا نمیرد ولی از طرف دیگر هم بنده هم عقیده هستم با آقایانیکه تومانی یکشاهی را زیاد میدانند بله این زیاد است این درصد تومانی پنجاهزار میشود در صورتیکه بعقیده من صد تومانی دو هزار کافی است دیگر اینکه حاج وکیل الرعایا فرمودند نوشته شود هر هزار تومان یکتومان نوشته شود این عقیده هم نظر کمیسیون رسیده بود و این نظر درست نبود بجهت اینکه تا صد تومان و پنجاه تومان درست بود لکن وقتی که بکسور میرسید در وزارتخانه اسباب اشکال میشد آنوقت باید بگوئیم که از فلان مقدار چه بکنند از فلان مقدار چه بکنند و مخصوصاً کار تقیض هم خیلی مشکل میشد لکن باین ترتیب که بگوئیم تومانی نیم شاهی یا یک شاهی رفع این اشکالات را میکند علاوه بر اینکه از برای عوام هم خیلی آسان تر است که بگوئیم تومانی نیم شاهی بدهید یا اینکه بگوئیم در هزار تومان یک تومان بدهید

این ماده عرض کردم راجع باداره و پیشرفت مخارج اداره آقای وزیر عدلیه هم بیان فرمودند اما آن مطالبی که گفته میشود و نظرات فلسفی که آقایان بیان می کنند و دور بینی هائی که دارند اگر حقیقه هم درست باشد ولی با عملیات خارجی ابدأ درست نیست تصور میکنم آقای حاجی رضا خان که تمام معاملات این مملکت تمام پنجاه هزار تومانی است و حال این که معاملات پنجاه هزار تومانی در تمام این مملکت در سال از شش تا نهم تا بیست و پنج میلیون تا بیست و هفتاد و هشتاد و نود و صد هزار است و از آنطرف معاملات خارجی اغلب با برات است و از آنطرف میفرمایند معاملات خارجی ما واقفاً باید بدانیم که این اداره که تاسیس شد همه مبادی و اسنادشان را ثبت میکنند و واقفاً بفرماند این اداره مطلعند و تمام اسنادشان را از کلی جزئی در این اداره ثبت می کنند اگر اینطور بود بنده هم هم عقیده بودم با آقایان ولی ما تجربه کرده ایم که هر اداره که تازه احداث میشود تا فوایدش با بیانات متوسط جرائد و غیره بر مردم معلوم شود آن فایده را که میخواهیم حاصل نمیشود و مردم اقبال نمیکند پس تا مدت مدیدی مردم ملتفت فواید این نیستند تا اینکه در محل اقبلا بفهمند که فایده این چیست آن وقت بیایند اسناد خودشان را در اداره ثبت اسناد خود بود به بینند چقدرش را میآورند ثبت میکنند از روز اول که ترتیب اداره ثبت اسناد در عدلیه مرتب شده اگر ملاحظه اینها را بکنیم آنوقت پاراشکالات که الان در نظر بعضی از آقایان است رفع می شود الان اغلب اینگونه معاملات در دکان یا کلیه نوشته میشود و ابدأ اعتنائی باین ترتیب ندارند مگر وقتی که محل ابتلاشان بشود و بروند آن وقت ثبت بکنند و اگر از حساسا بخواهیم خیلی کم باین ملاحظاتی حقوق ثبت را قرار بدهیم آنوقت با اندازه حقوق و مخارج این اداره عایدی این اداره نمیشود و همانطوریکه گفتند نباید مالیات بلوچستان را گرفت و خرج ثبت اسناد ازلی کرد اینرا هیچ اضافی تصدیق نخواهد کرد پس باید ملاحظه واردات این اداره را کرد و ملاحظه مخارج این اداره را کرد آنوقت بکطوری ترتیبش را داد که واردات و صادرات آن با هم مقابلی بکند .

دکتور حاج رضاخان - بنده پس از آنکه آقای وزیر در خاتمه فرمایشات آن جوابها را فرمودند دیگر صرف نظر از اعتراض خود میبکنم و تمام نظر باینکه بنده در ماده اول داشتم در ماده دویم هم دارم که اگر تومانی نیم شاهی تبدیل بصدی ربع شود بهتر است و همان مقصود بعمل میآید همان تومانی نیم شاهی میشود از آقای مخبر توضیحی میخواستیم که بیع شرط نامه را در بالا تومانی یکشاهی معین کردند و این ماده دویم مثل بالا است و اینرا تومانی نیم شاهی معین کردند بجه نظر بوده است توضیح بفرمایند .

آقا شیخ ابراهیم - در آنجا اموال غیر منقوله بود اینجا منقوله است .
رئیس - مذاکرات کافی است یک اصلاحی آقای کاشف پیشنهاد کرده اند خوانده میشود .
(بمبارت ذیل خوانده شد) اصلاح در قسمت دوم تفرقه ثبت اسناد .

بنده پیشنهاد میکنم که از هر صد تومانی یک قران گرفته شود .
کاشف - بنده خیلی تعجب میکنم از آقایانیکه موافقت میکنند باین راپورت و آقای وزیر هم اینجا توضیحاتی دادند بنده نظریات آقای وزیر را تصدیق میکنم ولی این فرمایشات تمام راجع باموال غیر منقوله است و هیچ ربطی بتجارت و اموال منقوله نداشت و کلیه آقایانیکه از ترتیب تجارت اطلاع دارند میدانند که باید همیشه اسباب سهولت و پیشرفت تجارت را فراهم کنند بکنند آقایانیکه از ترتیب تجارتی اطلاع دارند میدانند اغلب معاملات تجارتی بقول است و در دفتر می شود کمتر می شود یک سندی مبادله بشود حالا که می خواهند یک ترتیبی بدهند که سند در بین باشد و تمام معاملات در تحت یک ترتیبی و ثبت و ضبط بیاید نباید معاملات فوق العاده بکنیم که کسی رقت نکند باینکه معاملات خودشان را باین اداره بیاورند و بنده در باب دخل این اداره که مذاکره می شود که بعضی اظهار می دارند عایدی این اداره کم خواهد بود در نظر بنده بعکس است عرض می کنم وقتی که پول تمبر این اداره کم شد همه کس می آید سند خودش را ثبت می کند و کلیه معاملات ثبت می شود و یک چیز دیگر هم بنظر بنده می آید و آن آنستکه برخلاف مسادات است این که بنده فرضاً یک معامله صرافانی دارم که ۵۰ هزار تومان هست تومانی نیم شاهی باید بدهم و یک شخص دیگر هم که ۵۰ تومان معامله می کند تومانی نیم شاهی بدهد در صورتی که هر دو یک مقدار زحمت دارد و اداره سهیم نفع و ضرر کسی نیست بنده این را زیاد می دانم و یک تعجیل فوق العاده می دانم اگر مقصود این است که کسی باین اداره نیاید و این اسناد را ثبت نکند این موضوع علیحده است ولی اگر مقصود اینست که بیایند باین اداره اسناد خودشان را ثبت نمایند که تمام اسناد محکم شود و رفع تمام محظورات شود باید که در این مورد بخصوص که معاملات صرافانی و جازیه است باید که خیلی کم گرفته شود چون معاملات صرافانی و تجارتی ۵۰ تومان و ده تومان نیست خیلی کم که باشد از هزار و پانصد کمتر نیست باینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که از هر صد تومانی یک قران گرفته شود یعنی خمس گرفته شود و بیش از این را هم کسی قبول نمی کند و آن فرمایشات را که آقایان فرمودند اطلاعات سطحی است اطلاعات عمقی نیست چون اطلاع ندارند ممکن است سهوی بکنند اسناد دارم شخصی که از معاملات تجارتی اطلاع دارند اگر مخالف بنده هستند اظهاراتشان را بکنند و آتهائی که اطلاع ندارند فرمایشاتشان عمقی نیست .
رئیس - یک مرتبه دیگر این پیشنهاد خوانده و رای گرفته میشود .
(مجدداً قرائت شد)
رئیس - باین اصلاح آقای کاشف رای میگیریم آقایانیکه موافقت باین اصلاح قیام نمایند (رد شد) ماده سوم را بخوانند .
ماده سوم - از ثبت عقدنامه و نکاح نامه پنجقران .

حاج وکیل الرعایا - بلن موافقم .
رئیس - بعد از يك مخالف - ديگر مخالفی در این باب نیست میگذریم بندهم .
دوم - تصدیق اصالت امضاء دوقران .

رئیس - مخالفی نیست (چون مخالفی نبود فقره یازدهم فراتر شد) .
یازدهم - تصدیق اینکه درجه ناربخسندی ثبت شده است - دوقران .

آقا محمد - این خیلی زیاد است کاری ندارد که موجب گرفتن دوقران باشد این هم که میفرمایند که در چند درجه چند نفر باید امضاء کنند زحمتی نخواهد داشت و اینکه میگویند دوقران کم است بنده عرض میکنم که خیلی زیاد است .

آقا شیخ ابراهیم - دفترى را ضبط کرده است او را پیدا بکنند تاریخش را هم پیدا میکنند و سوادش بردارد و تصدیق نوشته بدهد و مدلل کند که این درجه تاریخی ثبت شده است برای این همه کار دوقران نگردد .
دوازدهم - تصدیق هويت - دوقران .

لواءالدوله - عرض میکنم يك شخصى می آید ده تومان قرض میکند و سند آنرا می دهد ثبت می کنند این خیلی قریب است که حالا بجهت اینکه تصدیق این را بیاید بگیرد دوقران بدهد این خیلی زیاد است بنده با کلیه این دوقرانها مخالفم
رئیس - آقای مشیر حضور مجبور میشوم بشما اخطار کنم .

افتخار الواعظین - بنده هیچکدام از ان تصدیقاتی که گرفته می شود از ثبت اسناد با اهمیت این تصدیق نامه نمی دانم که کسی معامله کرده است ام از اینکه کلی باشد یا جزئی و بعد بیاید تصدیق بخواهد در اینکه شخص خودش بوده است و دیگری نبوده است و معامله را مستحکم بکند و از تمام گفتگوها و معاصکاتی که در عدلیه ممکن است در خصوص معامله او بشود همه را مصون بدارد بنده این يك تومان را زیاد نمی دانم بجهت اینکه این تصدیق نامه نسبت به تمام آن تصدیق نامه های دیگر اهمیتش زیاد تر است و منتهای اهمیت دارد و بملاحظه اهمیتش دوقران زیاد نیست .

حاج شیخ اسدالله - به همین دلایلی که می فرمائید اهمیت دارد بنده عرض میکنم که زیاد است بجهت اینکه يك حکمی است که از اداره ثبت اسناد بعد از رسیدگی صادر می شود حالا از آن گذشته بعد از آنکه يك چنین مطلب اساسی را با اداره ثبت اسناد رجوع کردیم چون خیلی اهمیت دارد و خیلی مردم مبتلای به این تصدیق هويت هستند ما باید يك میزانی از برای حقوق این فرار بدهیم که تمام مردم با کمال رضایت بتوانند بروند آنجا و هويت خودشان را ثابت کنند يك شخصى است در شیراز می خواهد هويت خودش را ثابت بکند بجهت يك امر هلی که در تهران است که راجع بمعاصکات است خیلی هم فقیر است خیلی هم پریشان است حالا آنجا برود

يك تومان بدهد ندارد آنوقت آن بیچاره چه بکند بنده عرض می کنم به همین دلایلی که این خیلی اهمیت دارد بکوتومان زیاد است و اگر بخواهیم خیلی تحمل باو بکنیم نهایت دوقران است

آقا شیخ ابراهیم - ده قران زیاد نیست چون برای معرفی و تحقیقات خیلی کار دارد

حاجی وکیل الرعایا - آن تصدیقیکه با دو قران گرفته می شود تصدیقی است که مقدماتش در دفتر هیئت و بعضی مقدمات را لازم نداشته باشد فراهم کند و از دفتر استخراج بکند لکن این برای چه می گوید دوقران برای آنکه این مقدمات را دارا نیست و ابتدائی است باید آن این مقدمات را حاضر بکنند و فراهم بیاورد باین جهت بنده ده قران را زیاد نمی دانم

بجهت - بدیهی است که در موقع تصدیق هويت ممکن است که اشکالات پیش بیاید اما همه جا این طور نیست که این اندازه اشکالات پیش بیاید برای اینکه بسیاری از اوقات می شود که زحمتش کمتر باشد آقای مخبر تصور نکنند که اشکالاتش زیاد است و باشکالات برمی خوردن حالا این اتفاقی است اغلب سهل است تصدیق هويت بیشتر از ثبت يك عقدنامه با اطلاقاتمه خیلی آسان تر است از سه چهار سطر هم بیشتر نخواهد شد خوب است توضیح بفرمایند آن اشکالاتیکه در تصدیق هويت پیش می آید آیا در تمام جاهاست چه مقدماتی لازم دارد که در همه جاهاست و اگر همه جا اشکال ندارد فقط برای اتفاقات باید يك ماده دیگر علاوه شود و باید دو شق تصور شود .

آقا شیخ ابراهیم - نمی توان تجزیه کردو کار هارا اندازه گرفت يك وقت مقدمات لازم دارد و يك وقت با چهار نفر خواهد شناخت يك وقت بیشتر یا کمتر يك میزانی خواهد گرفت تصدیق هويت يك تومان زیاد نیست .

دکتر حاج رضاخان - این فرمایشات آقای مخبر که هیچ قانع نمی کند بجهت اینکه ثبت حقوق است ده قران را همه مردم نمی توانند بدهند و ما می توانیم بگوئیم از صد نفر ایرانی لافل هشتاد نفرش لازم باشد که بیاید هويت خودش را ثابت بکند و ماده قران بتواند ثابت کند و مسئله هويت در تمام جا ها بطوری آسان است که بتوسط يك یا کت پستی خودشان را معرفی می کنند دو قران خیلی زیاد است بنده نمی دانم که این برای چه نوشته شده است .

رئیس - مذاکرات کافی است شاهرزاده محمد هاشم میرزا پیشنهادی کرده اند که پنج هزار باشد آقای حاج شیخ اسد الله پیشنهاد کرده اند که دوقران گرفته شود آقای لواء الدوله پیشنهاد کرده اند که مرتبه اول مجانی و در مرتبه ثانی و ثابت و رابع دهمه يك قران بدهد رای می گیریم با صلاح محمد هاشم میرزا که پنج هزار گرفته شود .

حاجی آقا - بنده در این فقره پیشنهادی کرده ام از آقای مخبر هم شوالی دارم بنده بکلی

با پنج قران مخالف بواسطه اینکه ما يك ماده اینجا می نویسیم که با آن ماده گذشته هیچ فرقی ندارد یعنی ما تصدیق هويت میدهم در وکالت نامه ها در طلاق نامه ها و مصالحه نامه ها در هر سندی که نوشته می شود تصدیق هويت هم باید ثبت شود آنجا را ما دو قران کردیم اینجا را چطور می نویسیم پنج قران ما بکلی از مطلب دور افتاده ایم اگر کسی ملاحظه بکند می بیند که تصدیق هويت در ضمن هست در صورتیکه اصل مطلب دو قران است آن وقت تصدیق هويت را چطور ما می توانیم بنویسیم پنج قران باید همان دوقران باشد .

رئیس - رای می گیریم پنج هزار اصلاح محمد هاشم میرزا آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد حاجی شیخ اسدالله دوقران است آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

رئیس - آقای و اء الدوله در پیشنهاد سرکار هم رای بگیریم .

لواءالدوله - بله توضیح هم بخواهید عرض می کنم .

(پیشنهاد مذکور خوانده شد که در مرتبه اولی مجانی و مرتبه ثانی و رابع هر مرتبه يك قران گرفته شود) .

لواء الدوله - این یولیکه با اداره ثبت اسناد میدهند برای این میدهند که اسناد را ثبت کنند حالا ثبت کرده تصدیق می خواهد وقتی تصدیق بنده را خواست بدهد و باز یول بگیرد مثل این است که رعیت مالیات بدهد برای اینکه دولت باو امنیت بدهد اما اگر يك دهی را بخواهند بچاپند آنوقت دولت بگوید يك یولی من بدهید از برای اینکه جان و مال شمارا حفظ کنم این را داده است برای اینکه اگر يك وقتی تصدیق لازم داشته باشد بگیرد دهمه اول مجانی باشد ضرر ندارد اگر دهمه دویم و سیم تصدیق خواست آنوقت يك قران بنظر بنده عیب ندارد .

رئیس - رای می گیریم در این اصلاح آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت رد شد) .

[۱۳] - تبلیغ اظهار کسی بکسی پنجقران **حاجی سید ابراهیم** - پنجقران برای تبلیغ اظهار کسی بکسی اینهم زیاد است دو قران کافی است .

وزیر عدلیه - بنده اول عرض کردم که موافق نیستم ولی نه باین اندازه حالا می بینم افراط میشود این دو قران و پنجقران چیزی نیست که گرفته میشود این مباشر ثبت باید برود خانه کسی برای اینکه این اظهار را در آنجا با آنطرف تبلیغ کند از این محله بجهت دیگر برود ببینید این چند وقتش باید ضایع شود و مالیاتی با بنواسطه از کار خودش بیکار شود همه اینها دوقران و پنجقران نوشته شده و بنده تصور نمی کردم که اینقدرها را مجلس زیاد بداند برای اینکه این اقل ما قانع است اما اینکه گفته میشود اینجا و می شنویم که میگویند استطاعت ندارند و نمی توانند صدی پنج بدهند باز

بنده عرض می کنم این يك مسئله دیگری است شما ببینید این زحمتی که این شخص می کشد میارزد بدو قران میارزد پنج قران میارزد بيك تومان یا نه ؟ اینرا در نظر بگیرید نه استطاعت و عدم استطاعت را **دکتر حاجی رضاخان** - بله اینها را که آقای مشیر الدوله فرمودند صحیح است ولی در مراعات ارباب حقوق نباید این ملاحظات را کرد که این ارزش دارد یا ندارد و این مبلغ یا ملائع مبلغ کم است یا زیاد باید فکر کرد و آن فرد ضعیف را چه سبب از بیاب اظهار کسی بکسی فرض بفرمائید کسی اطافی اجاره داده بینچ هزار آنوقت برای اینکه اجاره او نرسیده است فسخ اجاره می کند میخواهد با اظهار کند که فسخ کرده است آنوقت باید پنج قران بدهد که برود اطلاع بدهد ببینید برای پنج قران اجاره می تواند پنج قران بدهد ؟

حاج وکیل الرعایا - کمان می کنم که مخارج اینرا اگر خوب بسنجیم مخارج همین ابلاغ را چنانچه آقای وزیر هم اشاره فرمودند بنده کمان میگردم بعد از آن اظهاری نخواهد شد بجهت اینکه اگر مخارج آنرا بسنجیم می بینیم که پنج قران خودش بیشتر مخارج دارد این يك چیزی است که نمیشود در يك ملتی يك فرد ضعیفی را ملاحظه کنیم وقتی که يك کار مجانی را تحمل کردیم آنوقت يك اداره دولتی ضعیف میشود باید دانست که این اداره دولت را هم ده باید برای این ملت کار بکند طوری قرار بدهیم که دخل و خرجش تساوی داشته باشد بقدری که مخارج ضروری است باو برسد و کمان میکنم که پنج قران کمتر مخارجی است که باین کار تعلق میگیرد و این شاید بعضی جاهای دیگر بر بخورد که ناچار می شود ارکه در يك موقع دیگری هم شهادت بدهد که این در فلان موضع ثبت هم اظهار شد تا اینکه آن شخص هم بتواند در موقع به آن کار خودش برزد و اینها همه بآن پنج هزار است بنده کمان میکنم برای هر فرد ضعیفی هم عیب نداشته باشد .

حاج شیخ اسدالله - این فرمایشاتی که فرمودند هیچ ربطی بدولت ندارد اصلش عقیده بنده بود در سابق که این مطلب که تبلیغ اظهار کسی بکسی باشد هیچ ربطی ثبت اسناد ندارد این فرمایش که اینجا میشود که يك تومان خرج دارد که این مباشر برود آنجا در خانه آن شخص ملاقات بکند مذاکرات بکند و تحصیل جواب بکند و در دفتر ثبت بکند باین آب و تاب کمان نمی کنم باشد بجهت اینکه يك اظهاری میکند با اداره مباشرت ثبت اسناد او باید تبلیغ کند و برساند این چیز را بطرف بای نحو کان بهر کیفیتی که هیچ خرجی نداشته باشد لازم نیست که درشکه سوار شود دوهزار بدهد برود دوهزار بدهد بر گردد که بگوئیم مخارج این کار زیاد است باید این چیز را برساند و جواب بگیرد بنده عرض می کنم که این چون خارج از وظیفه اوست و يك امر خارجی است که بآنجا ارجاع شده است پس خیلی مناسب نباید وجهش را گرفت و کمتر از این قرارداد که مردم رغبت کنند بروند

اداره ثبت اسناد را اداره ابلاغ قرار بدهند و بنده در اینجا سه قران بیشتر عقیده ندارم .
رئیس - مذاکرات کویا کافی باشد دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای انتظام - الحکماء (سه قران) یکی از طرف آقای دکتر حاج رضاخان (دوقران) اول رای میگیریم باصلاح آقای انتظام الحکماء که (سه قران) باشد - آقایانیکه با این اصلاح موافقت قیام نمایند (با اکثریت رد شد)
رئیس - رای میگیریم باصلاح آقای دکتر رضا خان .

دکتر رضا خان - چون میدانم کسی با من همراه نیست پس میگیرم .
 (۱۴) - تصدیق اقرار با اظهار کسی بکسی [دو قران] .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) یازدهم را بخوانید .

(۱۵) - حق الامانه هر سندی از قرار ماهی [دو قران] کسور ماه تمام حساب می شود

بجهت - حق الامانه هر سندی از قرار ماهی دو قران این خیلی زیادی است بجهت اینکه این يك چیزی است که نمیتوان گفت که اداره ثبت اسناد مخارجش خیلی زیاد است نیایست آنقدر تحمل بکنند که مردم نیایند اسناد خود را امانت بگذارند این از قرار مالیات نیست این حق العمل است کاغذ را نگاه داشتن نباید نفت که ماهی دوقران بدهد بقدری که يك طفلی را بمدرسه بگذارند خرج بر میدارد بنده خیلی خوب متوجه میکنم خاطر آقایانرا که اگر ما خواسته باشیم طرف نوجه قرار بدهیم اداره ثبت اسناد را باید خیلی آسان و ملایم و ارزان بکنیم یقیناً اینکه اشخاص محترمین غالباً جانی دارند که اسناد خودشانرا ضبط کنندند و غالباً اشخاصی هستند بی بضاعت يك سندی دارند از يك کسی و یا يك چیزی است جای نگاهداری آنرا ندارند که ضبط کنند و این غالباً تحملی میشود بر آن فقرا اگر بنا باشد هر سندی هر قدری که باشد ولو ده تومان ماهی دوقران بدهند این دیگر هیچ تناسبی پیدا نمیکند البته تناسب ندارد بنده خیال میکنم که این اندازه ها خیلی زیاد است بلکه ماهی يك شاهی باید گرفت برای اینکه سندی را در صندوق بگذارند بیشتر از ماهی يك شاهی ممکن نیست که تحمل کرد

آقا شیخ ابراهیم - این امانتداری اسناد خیلی کار مهمی است ثبت و ضبط و حفظ آن خیلی کار بزرگی است و در دول دیگر بنده خبر دارم این خیلی کار مهمی است دیگر آنکه حفظ اسناد و سجلات و امانات را آقا فرمودند که راجع بقرا است خیر اینطور نیست غالباً اغتیا بجهت اینکه در خانه خودشان میترسند میبرند به ثبت اسناد میسپارند این علتش فقر و غنی نیست علت دیگر دارد نمی دانم چه علت دارد و لکن آنکسی که آنرا حفظ میکند باید خیلی مواظب کند و شاید کشیک لازم داشته باشد برای آنفلانها اینها را اگر نظر بفرمائید این وجه زیادی نیست .

حاجی آقا - بنده چون در تمام اینها فقط نقطه نظرم اجرئی است که تعلق میگیرد در بعضی جاها که کار اداره زیاد است و کاملاً با فرمایشات آقای وزیر همراهم که باید مراعات کرد آن زحمتی که در اداره است و لسی در جاهائی که در اداره چندان زحمتی نیست آنرا هم از همان نقطه نظر که باید ملاحظه اجرت را کرد مخالفم و در بعضی از جاها هم که عرض کردم مخالفم نه از باب این بود که تمام اینها (دوقران) باشد از نقطه نظر این بود که منطقی باشد در خصوص اینکه حق الامانه را دوهزار بکنیم بقرینگی که سایر چیزها را دوهزار گرفتیم براسطه آنکه حق الامانه مانوریکه گفته شد چون يك زحمتی ندارد (دوقران) زیاد است و آن قدری که آقای بهجت هم فرمودند نباید باشد و کمان میکنم که اینرا هم که آقای وزیر فرمودند زیاد باشد و این باید بیاید بکمیسیون و اصلاح شود

وزیر عدلیه - حق الزحمه یکی بود یکی هم اینکه باید دید برای دولت چه تمام می شود این امانت را که میاورند ضبط بکنند باید دور بیندازیم یا در يك جانی روی هم بریزیم یا آنکه این را باید در جانی در يك محوطه در قفسه حفظ کنیم و آن کسی که آمده است آنجا نشسته است یا این ساخته است اینها را باید در نظر گرفت اینها را که مباشر ثبت اسناد روی هم نمیاندازد یا برای ضبط بکنم می آورد و از برای آنها بترتیب حروف تهجی اندیکار و نماینده درست می کند و برای حفظ آنها جای محفظه کتابی درست میکند اینها تمام را که ملاحظه بفرمائید خواهید دید که خیلی نسبت بحال عموم رعایت شده است این قیمتش دوهزار نیست باید يك تومان باشد .

رئیس - مذاکرات کافی است - سه فقره پیشنهاد شده است پیشنهاد آقای دکتر حاجی رضا خان بجای دوقران ده شاهی آقای نیر السلطان هم همینطور محمد هاشم میرزا هم همینطور پس رای میگیریم در این سه فقره اصلاح که دوقران و ده شاهی است آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت رد شد)

رئیس - آقای حاجی شیخ اسدالله پیشنهاد کرده اند که پنج قران باشد .
حاجی شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد کردم که کلیتاً ماه و زمان ملتی شود برای اینکه يك سندی هست یا يك قبالة يك شخص دارد ده تومان یا یازدهم تومان و یا يك خانه را خریده است و آن قبالة را نمی تواند نگاهدارد میرد با اداره ثبت اسناد مرده شاید پنج سال ده سال هم طول می کشد وغالب مردم و فقرا مبتلای باین درد هستند و بنده عرض می کنم که غالباً معاملاتشان از صد الی دویست تومان است سندنشان را چون خودشان نمی توانند حفظ کنند میبرند در اداره ثبت اسناد ضبط میکنند بسا هست که پنج سال در آن امانت اسناد بماند وقتی ماند و محل حاجتشان هم هست که در آن مدت در آنجا بماند از آن شخصی که امانت گذاشته است بخواهند

در ماهی دو قران بگیرند در ظرف ده یا نوزده سال يك پولی علاوه بر آن پولی که داده خانه خریده است باید متدرجاً با اداره ثبت اسناد بدهد بنده عرض می کنم که يك حق - الزحمه که سند را حفظ می کند یا حق الضمانه باید که بآن اداره ثبت داد فرق نمی کند که سند باشد یا قبالة اشديك تومان باشد صد تومان باشد هر چه باشد و آن هم زیاد از پنجقران نمی تواند تصویب کرد آن پنجقران را بدهد و دیگر ابتدا ماه و سال در خصوص این وجوهی که داده می شود منظور نشده فقط همین سند را که امانت می گذارد در موقع گذاشتن امانت همان پنجقران را بدهد یک ماه دیگر میرود بگیرد برود بگیرد ده سال میرود بگیرد برود بگیرد صد سال دیگر می خواهد بگیرد برود بگیرد و این ماهی دو قرانی که اینجا نوشته شده است بنده بکلی مخالفم .

آقا شیخ ابراهیم - خیلی غریب است کسی یکماه نگاه بدارد مال کسی را و حفظ کند تا آنکسیکه ده سال حفظ کند هیچ تفاوت نداشته باشد این چه حرفی است ولیکن بنده اینجا يك نظری دارم باید در کمیسیون اصلاح شود ممکن است يك پاکت چند سند داشته باشد و اینطور قرار دادن صحیح نیست باید بر گردد بکمیسیون در آن نظر بکنیم .

رئیس - این پیشنهاد باید رای گرفته شود آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (با کثرت رد شد)

رئیس - چون بعضی کار های دیگر هم داریم و بعضی سئوالات هست که از آقایان وزراء باید بشود قانون ثبت اسناد می ماند برای جلسه بعد حالا آقایان اگر همراه هستید می گذاریم برای روزه شنبه - آقای انتظام الحکماء از وزارت جنگ سئوالی داشتید بفرمائید .

انتظام الحکماء - پنج هزار قبضه تفنگ و پنج کرور فشنگ شنیده ایم خریده اند خواستم سئوال کنم که این کی خریده شده و کی وارد شده و از کجا خریده اند و بچه ترتیب خریده شده است .

امیر اعظم معاون وزارت جنگ - مسئله خرید اسلحه در خاطر نمایندگان محترم هست که مدنی است مطرح مذاکره است این تفنگها پنج هزار قبضه نیست و هفت هزار قبضه است و گویا در کمیسیون قوانین مالیه هم مذاکره در این خصوص شده است اما وزارت جنگ به علت این تفنگها را خریده است اول بواسطه احتیاجاتی بوده است که در اینموقع انقلابات عمومی که در تمام سرحدات هست که هیئت وزراء را مجبور کرده است که تهیه این اسلحه دیده شود که هر چه زودتر امنیت بدهند بر سرحدات و نظر وزارت جنگ هم بر این بود که يك تفنگی بهتر باشد و هر چه زودتر پیدا کند و خریده شود و ابتدا تشکیل اینکابینه وزارت جنگ يك تعلیماتی دادند برای اینکه يك کمیسیتی معین شود که يك ترتیبی بدهد برای جمع آوری اسلحه در تحت نظر جمعی از صاحب منصبان منعقد شود که بیکمقداری تفنگ از جاهای غیر لازم جمع شود و بقشونی داده شود که بولایات و سرحدات میروند و یکی از تنگی ها کار که نمایندگان همیشه از وزارت جنگ سئوال میکنند برای مأموریتی که باید بولایات فرستاده شود

انتظاماتی که میدانید برای عمل اسلحه است چون آنکمیسیون جمع آوری اسلحه نتیجه اعمالش خیلی طول داشت که دولت مجبور بود که اینمقدار اسلحه را بغير ترتیب خرید آن اسلحه کلی خریداری کند به علت یکی اینکه عرض کردم و دیگر اینکه این هفت هزار تفنگ که از تفلیس خریده شده که مفصل و مشروحش را بنده درست ملتفت نیستم اگر لازم است که تحقیق نموده بعرض آقایان میرسانم و الا خود آقای رئیس الوزرا تشریف می آورند و اطلاعات خودشان را ذکر میکنند و این تفنگ قبضه (۱۴) تومان وارد میشود و از تفنگهای نمره اول است چونکه اینها دوسیم است و از تفنگهای امپراطوری است اینجا قبضه دویست تومان صد و هشتاد تومان قیمت دارد طرف آذربایجان گرانتر طرف شرق قدری ارزان تر است فشنگ هم دانه یکمباسبی برای این تفنگها خریداری شده است و اینهم بیکخدمتی است که وزارت جنگ کرده است که فشنگ روسی دانه یکمباسبی و تفنگ هم قبضه (۱۴) تومان وارد کرده است و دیگر اینکه پروگرام اکثریت هم بود اینمستله و چندین فقره دیگر از وزارت جنگ سابق فرستاده بودند و از کمیسیون نظام هیچکدامش جزء دستور نشده بود ولی فوریت اینکارها و جزء دستور نشدن وزارت جنگ لازم دید این تفنگیکه (اکازبونه) و خیلی لازم است بخرد

انتظام الحکماء - فقط سئوال در این بود که این در چه تاریخ خریده شده و بتصویب مجلس بود یاخیر اینرا خواستم بفهمم .

معاون وزارت جنگ - تاریخ گفتگوی این تفنگ شروع در کابینه قدیم بوده است و در کمیسیون قوانین مالیه هم عرض کردم که در خصوص اینمطلب که هفت هزار تفنگ خریده شود مذاکره بوده است بعد از آن که آن کابینه منفصل شد در کابینه جدید بواسطه لزوم همین اسلحه را رئیس الوزراء خواستند وارد نمودند .

رئیس - سئوال ثانوی هم داشتید از بابت دویست قبضه تفنگ شجاع السلطنه

انتظام الحکماء - آنها مسکوت عنه میماند تا اینکه ترتیب این معین شود آنوقت آنها را عرض کنم **رئیس** - آقای ادیب التجار از وزیر مالیه سئوالی داشتید بفرمائید .

ادیب التجار - قانون نمک در اولی که از مجلس گذشت محل حرف نیست که بیک قدری تندروی و بی ملاحظه گی شد در او هیچ حرفی نیست ولی بیشتر چیزی که اسباب نفرت مردم شده و فقر و ضعف قدری در اینخصوص تعدی شد علتش آن تعدیاتی بود که بعضی مأمورین که از طرف وزارت مالیه بودند میشد و بنده چون در کمیسیون عرایض غالباً عضویت داشتم از هر جا شکایت میرسید حتی از انجمنهای ولایتی من جمله از انجمن قزوین که نوشتند نمک را بیکم چهار هزار فروختند ب مردم و در کمیسیون ضبط است باین جهت عرض میکنم که بیشتر این نفر مردم از سوء حرکات مأمورین بود که برخلاف شتی نمایندگان مجلس شورای ملی و هیئت وزراء رفتار میکردند و وزیرای عظام حالیه و اینکابینه جدید که بنا بود متفق شوند و این هیئت محترم مؤتلفه مجلس هم مقصود عمده شان این بود که این مسئله نمک را بمجلس بیاورند و يك اصلاحی بکنند

میخواهم به بینم که چه اقدامی وزرای عظام در این باب نموده اند در اینمدت اگر چه مدت هم کم بود ولی جدیدت خطرات وزرا را بیش از این میدانم که در این مدت موفق باصلاح شده باشند حالا عرض میکنم یکی در خصوص خود نمک که در اصلاح مالیات آن چه فکری کرده اند و یکی در خصوص مأمورین ولایات چه تدبیری دونظر گرفته اند جواب این سئوالات را بدهند که اسباب اطمینان خاطر مجلس شورای ملی بشود

وزیر مالیه - بنده قبل از اینکه جواب بدهم باین سئوال خواهش میکنم رعایت سئوال و استیضاح بشود بجهت اینکه سئوال و استیضاح ترتیبش در نظام نامه داخلی معین شده است که سئوال چه قسم بشود و ترتیب استیضاح کدام است و بنده چون دیدم که از دایره سئوال قدری هم خارج شده و داخل در استیضاح شده اند اینست که عرض کردم بلی همانطوری که در پروگرام کابینه نوشته بودیم که اصلاحی و تجدید نظری در این کار خواهد شد از همان روز داخل مطالعه این کار شده ایم اطلاعاتی که لازم بود از ادارات نمک حاصل کرده ایم و پاره اطلاعات دیگر لازم بود که تحصیل شود و آن نظریات گمرك بود و از آنجا هم اطلاعاتی خواسته ایم در همین چند روزه پیشنهادهای مجلس شورای ملی خواهد شد

رئیس - بعضی مطالب هست که باید بعرض آقایان برسانم شعبه پنجم سابق باید بعد از ختم جلسه منعقد شود يك نفر بعوض شاهزاده سلیمان میرزا برای کمیسیون بودجه معین کنید و بکمیسیونها تمام معین شده است بعد از ختم جلسه آقایان هیئت رئیسه هر کمیسیون را باید معین کنند مخبرین هم البته معین خواهند شد روز شنبه صبح سه ساعت بظهر مانده هیئت رئیسه منتظر است که مخبرین آنها بیایند در هیئت رئیسه که آنجا در باب دستور جلسات مجلس مذاکره کرده قرارش گذاشته شود دستور سه شنبه آینده چون دستور پنجشنبه و شنبه را عرض کردم دستور سه شنبه آینده - قانون قبول و نکول بروات - بقیه شورا اول در قانون استخدام .

وزیر مالیه - در باب دستور عرض دارم دستور پنجشنبه یکی گویا قرارداد کمیانی خالصجات است در کنتراتی که دولت با کمیانی سابقاً بسته که اغلب نمایندگان مسبقند داخل مذاکرات آن شده ایم با کمیانی ولی هنوز مذاکرات آن تمام نشده خواهش می کنم که این مطلب از جزء دستور پنج شنبه بردارند پنجشنبه آینده محول بشود تا مذاکرات آن با کمیانی خالصجات تمام شود و البته از نتیجه آن خاطر نمایندگانش را مسبق خواهم کرد .

رئیس - قرارداد کمیانی خالصجات جزء دستور پنجشنبه بود حالا وزیر مالیه خواهش کردند جزء دستور پنجشنبه دیگر بشود .

آقای میرزا احمد - بنده هیچ ضرری نمی بینم که يك جلسه عقب بیفتد و تأخیر شود ولی بعضی چیزها در خارج شنیده می شود بعضی تفسیقات میشود بواسطه اینکه رعایا می خواهند عارض شوند نسبت بآنها تعدی میکنند اگر این مطلب صدق باشد خوبست همین طوری که تأخیر می اندازید این مسئله را هم بآنها اخطار نمایند که در این اوقات تفسیقاتی

بازها نشود تا مطلب معلوم گردد.

وزیر مالیه - بنده نمی دانم چه تضحیقی است که از طرف کمیانی می شود و رعایا عریضه هم سابقاً بوزارت مالیه داده اند البته رسیدگی می شود و با کمیانی مذاکره خواهد شد از باب آنها باز مذاکره میکنیم و مشغول هستیم.

رئیس - در باب اینکه این قرارداد را در دستور پنجشنبه آتیه بگذاریم مخالفی هست ؟

آقا شیخ غلامحسین - بنده مخالفم بعلت اینکه یکسال بیشتر است که این بیچاره رعایای خالصه گرفتار کمیانی هستند مگر اینها از حقوق ایرانیست و انسانیت محروم هستند هر وقت این مسئله جزء دستور شد یک وزیر آمد گفت حالا باشد نظریات بکنم پس کی خواهد شد این کار آقای وزیر مالیه ممکن است که از حالا تا روز پنجشنبه نظریات خودشان را بکنند روز پنجشنبه در این خصوص مذاکره شود.

وزیر مالیه - بنده تعجب می کنم که آقایان بعضی ملاحظات را میفرمایند ولی بعضی ملاحظات دیگر هم هست که آنها را هم باید بفرمایند ملاحظه میفرمایند در مدت یکسال است که یک اکثراتی دولت ایران بسته است و امضاء کرده است و در ظرف این یک سال که این اکثرات بسته نشده بنده هم در آن وقت در مجلس بودم میفرمایند که تفصیل این چه چیز است و در این مدت یکسال این هی آید بمجلس حالا میخواهند بمجلس یک قرار بدهیم و امضاء یک دولتی را برداریم بگوئیم اینطور نباشد آن طور باشد البته امضائی که دولت داده است خیلی اهمیت دارد نمیشود گفت بمجلس اینرا زود تغییر بدهیم باید ملاحظه بکنید که شرایط این کار چه چیز است میباید چه چیز است و با او هم داخل مذاکره بشویم که چه قراری باید داد که باز هم اسباب شکایت رعایا نشود و هم اسباب شکایت کمیانی و بی ترتیبی کار نشود والا حالا بمجلس گفتیم که این طور بشود شاید باز در یک مدتی محتاج بشویم که بگوئیم که این خوب نشد خوست یک سال که صبر کرده ایم یک سال و چهار روز باشد که دوباره محتاج بمذاکرات نباشیم.

رئیس - برای کدام جلسه رای بگیریم که که جزء دستور شود.

وزیر مالیه - برای یک هفته دیگر برای این که اگر قبل از مذاکره کردن با کمیانی بمجلس بیاید برای مذاکره مبنای مذاکرات مجلس هر چه خواهد بود یک لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است یک طریحی هم از طرف نمایندگان پیشنهاد شده است دیگر مأخذی ندارد.

رئیس - رای میگیریم که جزء دستور پنجشنبه دیگر بگذاریم آقایانیکه موافقند قیام نمایند (با اکثریت ۳۸) رای تصویب شد.

رئیس - پس دستوری که از سابق معین کرده بودیم بهم می خورد مجدد امین میکنیم.

دستور پنجشنبه قانون عتیقات - بقیه قانون ثبت اسناد - دستور شنبه قانون استخدام - قانون

ثبت اسناد راجع بآن موادی که در شور ثانوی ارجاع شد بکمیسیون - دستور سه شنبه قانون قبول و نکول بروات - بقیه شور اول در قانون استخدام کمیسیون عریض راهم خاطر نشان آقایان و اعضاء آن کمیسیون می کنم که عریض خیلی رسیده است و تا امروز هم کمیسیون منعقد نشده خواهش دارم که زودتر منعقد شود و بعریض مردم رسیدگی کنند و آقایان حاجی آقا در موقع تنفس اجازه خواسته اند چون سوء تفاهم شده است در نطقشان خواسته بودند توضیح بدهند بفرمائید

حاجی آقا - در ماده دوم تعرفه قانون ثبت اسناد یک جمله عرض کردم که معاملات ایران غالباً از هزار و پانصد و دوهزار تومان زیاد تر نیست تصور کردند که معاملات تجارتنی را عرض کردم و بنده این مطلب را در معاملاتتی که راجع باملاک و مستغلات بود عرض کردم و گمان می کنم که صحیح باشد بجهت این که سی هزار چهل هزار تومان راجع بمعامله ملکی در ایران خیلی کم واقع می شود و این هم هیچ ربطی بمعامله تجارتنی ندارد.

(مجلس سه رجم ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۳۴

صورت جلسه یوم پنجشنبه ۱۳

شهر ربیع الاخری ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح و دو ساعت و پنجاه دقیقه قبل از غروب رسماً منعقد شد.

آقای معاضد الملک صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۱ را قرائت نمودند.

(اسامی غائبین جلسه قبل) آقای دهخدا بدون اجازه آقایان حاجی محمد کریمخان - حاج امام جمعه - آقا شیخ مهدی نجم آبادی - با اجازه غایب بودند و آقایان دکتر اسمعیل خان - حاج مصدق الممالک - طباطبائی - سید محمد باقر ادیب لواءالدوله بوقت مقرر حاضر نشده بودند.

رئیس - اظهاری که آقای ناصر الاسلام در جلسه قبل در صورت مجلس کرده بودند اشتباه نوشته نشده است نوشته میشود.

لواءالدوله - بنده با کمال تأسف از شغل مباشرت استعفا دادم.

رئیس - حالا موقع این اظهار نبود **لواءالدوله** - چون در صورت مجلس اسم از انتخاب بنده برده شده بود باین جهت عرض کردم.

رئیس - بنده عرض کردم اگر اعتراضی بصورت مجلس دارید بفرمائید.

ناصر الاسلام - بنده بهیچوجه مخالف پیشنهاد کمیسیون و طرح آقای ارباب نبودم کمال موافقت را داشتم منتهی از مخبر راجع بیک کلمه توضیح خواستم والا مخالف نبودم.

افتخار الواعظین - یک مسئله لازم بود اینجا قید شود و نشده است در خصوص مسئله اول از تعرفه ثبت اسناد که قانون یکشاهی نوشته شده بود و آقای وزیر عدلیه هم خودشان تصدیق فرمودند که

این مقدار زیاد است و اینجا قید نشده است و یک مسئله دیگر این است که این صورت مجلسی که امروز در اینجا خوانده شد خیلی مفصل بود گمان میکنم این صورت مفصل یک مقداری از وقت مجلس را تضییع بکند خوبست مقرر فرمایند منبع قدری مختصر تر نوشته شود.

رئیس - صورت مجلس نوشتن تکلیف هیئت رئیسه است و میدانند چطور صورت مجلس بنویسند استدعا میکنم منبعد اعتراض بترتیب نوشتن صورت مجلس نفرمائید آقای ارباب کیخسرو اعتراض داشتم ؟

ارباب کیخسرو - میخواستم عرض کنم در صورت مجلس اظهار موافقت وزیر عدلیه نسبت بترغفه شده است و حال آنکه در همین فقره اول بطوریکه اشاره فرمودند آقای وزیر عدلیه بکلی مخالف بودند با تومانی یکش هم قید نشده است.

رئیس - دستور امروز تعرفه ثبت اسناد و قانون عتیقات بود ولی دیروز از طرف هیئت وزراء قانون عتیقات را خواندند که نظر یاتی دارند تجدید نظری بنمایند آنوقت عودت بدهند این بود که بنده هم بیست و چهار ساعت قبل اطلاع دادم بآقایان و حالا بجای قانون عتیقات قانون استخدام خواهد بود ترغفه قانون ثبت اسناد را در فقره هفدهم بخوانند [باین عبارت قرائت شد]

هفدهم - ترتیب صورت مجلس که بجای قبض امانت داده میشود پنجقران.

ارباب کیخسرو - از این عبارت درست چیزی مفهوم نمیشود خوبست درست آقای مخبر توضیح بدهند

مخبر کمیسیون آقا شیخ ابراهیم زنجانی موادی که رای گرفته اینجا وقتی که کسی امانت میسپارد یا قبض میگردد یا تقاضا میکند صورت مجلس بنویسند و آن صورت مجلس بجای قبض امانت است و صورت مجلس بنویسند یعنی صورت اسناد را بنویسند و اشخاصی که حاضر هستند مهر می کنند و با او میدهند این کار مفصلی است از برای این پنج قران هم کم است.

هشتمین بنده پنجقران را برای یک صورت مجلس نوشتن زیاد میدانم هر چه باشد دوقران کافی است و بنده پیشنهاد می کنم که دوقران باشد.

رئیس - این پیشنهاد را بنویسید بدهید بآن رای میگیریم.

ارباب کیخسرو - بنده مخالف زیادی پنج قران نبودم ولی این عبارت این را نمی رساند و از این عبارت آنطوریکه بیان کردند هیچ مفهوم نمیشود عبارت را با توضیح بنمایند صورت مجلس که بجای قبض امانت است گمان ندارم از این عبارت بیرون بیاید.

آقا شیخ ابراهیم - این حکایت است از آن ماده که رای باو دادند که هرگاه صاحب امانت بخواید صورت مجلس قرار داده اسنادیکه امانت میگذازد صورت آنها را برداشته و ثبت کنند و مهر کنند و باور بدهند و اشخاصی - محاضرند نیز آن صورت مجلس را مهر و امضاء کنند و باو بدهند اینک تقاضا میکند